

اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در دوره حکومت حزب عدالت و توسعه

محمد رضا غائبی^۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ محمد رضا غائبی، دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل و رئیس اداره حقوق بشر وزارت امور خارجه
ghaebi@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۱۳ تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۴/۲۵

چکیده

روابط ایران و ترکیه همواره ترکیبی از رقابت و همکاری، ولی باثبات بوده است. اغلب، دلیل این ماهیت متعارض، وضعیت ژئوپلیتیک متفاوت دو کشور قلمداد شده، ولی هم‌زمان، ژئواکونومی نیز نقش مهمی در این زمینه ایفا کرده است. در طول سال‌های اخیر، با توجه به نیازهای متغیر دو کشور و تلاش برای دستیابی به توسعه اقتصادی، ابعاد جدیدی در روابط دو کشور بروز یافته که برخی منافع همکاری‌های دوجانبه را تقویت کرده و از تشدید رقابت کاسته است. مقاله حاضر، روابط دوجانبه ایران و ترکیه را در زمان حاکمیت حزب عدالت و توسعه در ترکیه از منظر اقتصاد سیاسی بررسی می‌کند. پرسش اساسی پژوهش این است که: «اقتصاد سیاسی سیاست خارجی ایران در مورد ترکیه چیست؟» و هدف، آزمون این فرضیه اصلی است که «روابط بین ایران و ترکیه در دهه اخیر تا حد زیادی مبتنی بر گسترش روابط اقتصادی بوده که بیشتر متأثر از حوزه انرژی به‌ویژه گاز است و درعین‌حال برخلاف ماهیت همکاری روابط اقتصادی، روابط سیاسی دو کشور دارای ماهیت رقابت منطقه‌ای بوده است». بر این اساس سه حوزه اولویت‌دار نامتقارن در روابط دو کشور شامل ژئوپلیتیک، عامل انرژی در روابط اقتصادی، و اولویت گاز طبیعی در روابط اقتصادی دو کشور بیان می‌شوند و درنهایت، مقاله به این جمع‌بندی می‌رسد که بسط و تقویت روابط دو کشور در حوزه انرژی می‌تواند نقطه آغاز مطلوبی برای گسترش روابط دو کشور در حوزه‌های سیاسی موردعلاقه مشترک نیز باشد.

▪ واژگان کلیدی:

ایران، ترکیه، سیاست خارجی، اقتصاد سیاسی، تجارت، انرژی

مقدمه

روابط ایران و ترکیه همواره ترکیبی از رقابت و همکاری، ولی باثبات بوده است. اغلب، دلیل این ماهیت متعارض، وضعیت ژئوپلیتیک متفاوت دو کشور قلمداد شده، ولی هم‌زمان، ژئواکونومی نیز نقش مهمی در این زمینه در گذشته و حال ایفا کرده است (Ünal & Ersoy, 2014). به لحاظ ژئوپلیتیک دو کشور در یک چهارراه حیاتی در منطقه اوراسیا قرار دارند و روابط سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی آنها با هم و با سایر کشورهای این منطقه شکل‌دهنده تحولات سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی این منطقه بوده و خواهد بود.

همچنین دو کشور ضمن نزدیکی با دو قاره مهم آسیا و اروپا در کنار پنج منطقه جغرافیایی مهم و بی‌ثبات خاورمیانه، قفقاز، بالکان آسیای میانه و منطقه تحت قاره‌ای آسیای جنوبی قرار دارند. روابط دو کشور ریشه‌های عمیق تاریخی، فرهنگی، و مذهبی دارد که عاملی تعیین‌کننده در ماهیت روابط دو کشور است. هر دو کشور، میراث‌دار امپراطوری‌های هژمونیک تاریخی هستند که همواره در طول هم در حال رقابت و درگیری بوده‌اند.

علاوه بر ابعاد سنتی روابط دو کشور و با وجود تضادهای ساختاری، جنبه‌های جدیدی در طول سال‌های اخیر بروز یافته است که ناشی از نیازهای متغیر دو کشور به موازات تلاش آنها برای دستیابی به توسعه اقتصادی و فناوری‌های مدرن بوده است. برخی منافع هم‌پوشان، همکاری‌های میان دو کشور را تقویت کرده و از تشدید رقابت‌ها کاسته است؛ از جمله روابط اقتصادی در حال گسترش که تداوم و تقویت روابط سیاسی میان آنها را نیز تسهیل کرده است. اینکه روابط اقتصادی فزاینده چگونه توانسته تداوم همکاری‌های سیاسی ایران و ترکیه را تسهیل کند، باید در دو سطح کلان و خرد تبیین شود. منظور از سطح خرد این است که باید ماهیت و رویکرد سیاست خارجی دو کشور و جایگاه اقتصاد در آن را مورد توجه قرار داد. در سطح کلان نیز باید به وابستگی متقابل اقتصادی میان ایران و ترکیه در حوزه‌های انرژی، حمل‌ونقل، تجارت مناطق مرزی، بحران‌های اقتصادی، و روابط تجاری اشاره کرد.

مقاله حاضر تلاش کرده است روابط دوجانبه ایران و ترکیه را از سال ۲۰۰۲ که زمان روی کار آمدن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه^۱ در ترکیه است، از منظر اقتصاد سیاسی بررسی کند. پرسش اصلی مقاله این است که: «اقتصاد سیاسی سیاست خارجی منطقه‌ای ایران در مورد ترکیه چیست و چگونه توضیح داده می‌شود؟» برای پاسخ به این پرسش، اصول سیاست خارجی منطقه‌ای ایران و جایگاه ترکیه در آن بررسی خواهد شد و سپس به نحوه تأثیرگذاری ساختارهای اقتصاد سیاسی داخلی و ساختارهای اقتصاد سیاسی جهانی بر سیاست خارجی منطقه‌ای ایران در مورد ترکیه پرداخته می‌شود. در واقع هدف از نگارش این مقاله، آزمون این فرضیه اصلی است که: «روابط بین ایران و ترکیه در دهه اخیر تا حد زیادی مبتنی بر گسترش روابط اقتصادی بوده که این روابط بیشتر متأثر از روابط در حوزه انرژی به‌ویژه گاز بوده است و در عین حال برخلاف ماهیت همکاری روابط اقتصادی، روابط سیاسی دو کشور ماهیت رقابت ساختاری منطقه‌ای داشته است».

۱. سیاست خارجی منطقه‌ای ایران و جایگاه ترکیه در آن

بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله، سه حوزه منطقه و همسایگان، دنیای اسلام، و جهان به‌عنوان اولویت برای سیاست خارجی کشور تعیین شده‌اند. در اولویت نخست، ایران قصد دارد به قدرت نخست منطقه تبدیل شود. در اولویت دوم، هدف، الگوسازی الهام‌بخش است و در اولویت سوم، تعامل سازنده با جهان برای تأمین منابع لازم برای اولویت نخست، هدف است و همزیستی مسالمت‌آمیز، تنش‌زدایی، اعتمادسازی، چندجانبه‌گرایی، دیپلماسی فعال و سازنده، توسعه‌محوری، ظلم‌ستیزی، و حق‌طلبی، اصولی هستند که از طریق آنها باید شرایط امنیت و اقتدار ملی با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی، تمرکززدایی و تعامل منطقه‌ای تقویت شود و در سطح منطقه‌ای، سیاست خارجی ایران باید مبتنی بر همکاری با کشورهای باشد که با آنها دارای منافع مشترک است (عسگریان، ۱۳۹۱).

موقعیت تاریخی - تمدنی، ژئوپلیتیک، و سیاسی - امنیتی ایران در نظام امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی به‌گونه‌ای است که اتخاذ رویکردهای مختلفی را در عملیاتی کردن این اصول

^۱. Justice and Development Party (JDP) = Adalet ve Kalkınma Partisi (AKP)

گریزناپذیر می‌کند. رویکردهای اصلی در منطقه‌گرایی سیاست خارجی ایران عبارتند از: رویکرد جغرافیایی و ژئوپلیتیک، رویکرد فرهنگی - تاریخی، رویکرد ایدئولوژیک و سیاسی - امنیتی، و رویکرد عمل‌گرایانه که در طول دهه‌های گذشته، سیاست خارجی ایران در ایجاد تعادل بین این رویکردها دچار چالش بوده است (برزگر، ۱۳۸۸).

برخی چالش اصلی سیاست خارجی ایران را ایجاد تعادل بین دو عنصر ژئوپلیتیک و ایدئولوژی می‌دانند (Ramezani, 2004). عده‌ای از ضرورت تمرکز بر رویکرد تاریخی - تمدنی (پهلوان، ۱۳۷۳) سخن می‌گویند و گروهی نیز صحبت از تعادل بین رویکرد ایدئولوژیک و عمل‌گرایانه می‌کنند (Karacasulu & Karakir, 2011). در مجموع از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون سیاست خارجی منطقه‌ای ایران ترکیبی از ملاحظات ایدئولوژیک، ژئوپلیتیک، و عمل‌گرایانه بوده و سه مؤلفه دولت - ملت، هویت ژئوپلیتیک و ایدئولوژی شیعی در منطقه‌گرایی سیاست خارجی ایران دارای اهمیت هستند.

با روی کار آمدن دولت اسلام‌گرای عدالت و توسعه، رهیافت ترکیه در خاورمیانه تغییر کرد (Hentov, 2007) و براساس راهبرد تبدیل شدن به بازیگر پیشرو در منطقه، گفتمان اسلام سیاسی و سیاست خارجی اقتصادمحور به‌جای دیدگاه سنتی امنیت‌محور کمالیستی شکل گرفت (Bar, 2006). همچنین آنکارا پیروی از راهبرد «به صفر رساندن مشکلات»^۱ با کشورهای همسایه از جمله ایران را در دستور کار خود قرار داد. ایران نیز با خرسندی از حاکمیت حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه، برای بسط روابط سیاسی، اقتصادی و امنیتی براساس زمینه‌های مشترک جدید و با مبنا قرار دادن جهت‌گیری عمل‌گرایانه تلاش کرده است (Habibi, 2012; Sariaslan, 2013; Ünal and Ersoy, 2014; Karacasulu and Aşkar Karakır, 2011).

۲. ساختارهای ملی مؤثر بر سیاست خارجی ایران در مورد ترکیه

تعدادی از متغیرهای مختلف به‌عنوان عوامل ملی تأثیرگذار بر روابط دو کشور توسط نویسندگان مختلف شناسایی شده‌اند. برخی جمعیت، شهرنشینی^۲، آموزش، نظام سیاسی،

^۱. Zero Problems Policy with Neighbours

^۲. Urbanization

مذهب، و فرهنگ را عوامل اصلی و همچنین نرخ بهره و تهاتر^۱ را دارای تأثیر منفی و میزان توسعه صنعتی، تورم و آموزش را دارای تأثیر مثبت ارزیابی کرده‌اند (Karabulut and Shahinpour, 2013)، عده‌ای نیز نرخ تولید ناخالص ملی واقعی^۲ (Eidari & Hamidi, 2012)، ژئوپلیتیک (Erhan & Aydin, 2008)، قومیت، و موضوع امنیت و تروریسم (Heberturk Net, 2008)، ملی‌گرایی (Karal & Tavhi, 1988)، تفاوت‌های اجتماعی – فرهنگی، مذهب اصلی (Ersoy, 2014) و اختلافات مرزی را به‌عنوان عوامل مؤثر برشمرده‌اند^(۱).

۳. روابط اقتصادی و تجاری ایران و ترکیه

از سال ۲۰۰۲ در روابط اقتصادی بین ایران و ترکیه ظرفیت‌های زیادی برای همکاری بیشتر ایجاد شده است. براساس آمار رسمی در سال ۲۰۰۲، حجم تجارت بین دو کشور ۲/۴ میلیارد دلار بوده که این رقم در سال ۲۰۱۱ به ۱۶ میلیارد دلار و در سال ۲۰۱۲ به ۲۲ میلیارد دلار رسیده است^(۲). تحریم‌های امریکا و اتحادیه اروپا و کاهش درآمدهای نفتی ایران موجب شد این رقم در سال ۲۰۱۳ به کمتر از ۱۵ میلیارد دلار کاهش یابد (حق‌پناه، ۱۳۹۲). در پی سفرهای مقامات عالیرتبه دو کشور در سال ۲۰۱۴، پیش‌بینی می‌شد این رقم تا آخر سال ۲۰۱۵ به ۳۵ میلیارد دلار برسد (Iran Daily, 2015)، ولی با وجود افزایش تمایل جهانی به بسط روابط اقتصادی و بهره‌برداری از فضای ایجادشده پس از توافق هسته‌ای ایران و غرب، ترکیه به‌دلیل سیاست خارجی خود در منطقه و اختلافاتش با ایران نتوانسته است موافقت‌نامه ترجیحی^۳ روابط بین دو کشور را که در سال ۲۰۱۴ امضا و از اول ژانویه ۲۰۱۵ اجرایی شد و ۳۵ میلیارد دلار توسعه حجم روابط دو کشور را پیش‌بینی کرده بود، تا پایان این سال عملی کند. نتیجه اجرای این موافقت‌نامه که با خوش‌بینی زیادی آغاز شده بود، این بود که حجم روابط تجاری دو کشور به رقم ۹/۷ میلیارد دلار تا پایان سال

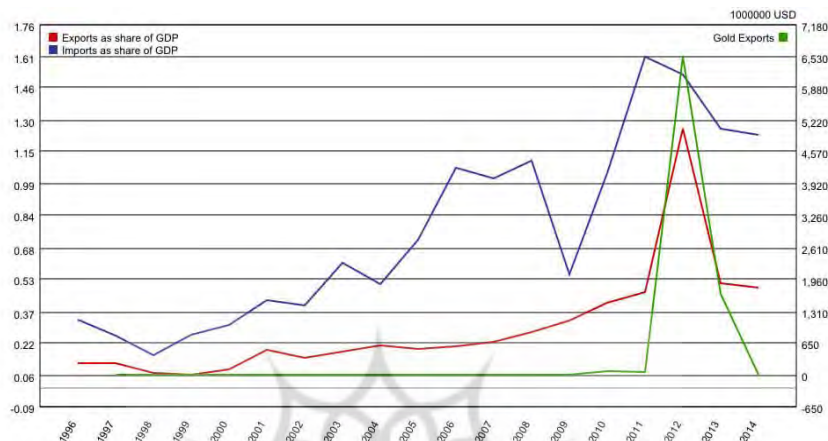
¹. Interest Rate and Exchange

². Real Per Capita GDPs

³. Preferential Trade Agreement

۲۰۱۵ برسد که حتی نسبت به رقم ۱۳/۷ میلیارد دلاری سال ۲۰۱۴، کاهش قابل توجهی را نشان می‌دهد (Cetinguelc, 2016).

نمودار شماره (۱). حجم صادرات و واردات ایران و ترکیه از سال ۱۹۹۶-۲۰۱۴



مهم‌ترین دلیل روابط اقتصادی و تجاری دو کشور، نیاز ترکیه به انرژی و نیاز ایران به کالاهای صنعتی بوده است. طی دو سال منتهی به سال ۲۰۱۴، بخش عمده واردات ایران از ترکیه شامل طلا، فولاد، منسوجات، و کالاهای صنعتی، و واردات ترکیه از ایران شامل گاز طبیعی نفت زغال‌سنگ، برق، و پسته بوده است.^(۳) ترکیه سومین بازار واردات و صادرات به ایران است و ایران، جایگاه ششم در واردات و سوم در صادرات ترکیه را دارا است.^(۴)

در سال ۲۰۱۵ واردات ترکیه از ایران با ۳۸ درصد کاهش به ۶/۱ میلیارد دلار رسید و میزان صادرات نیز با ۵/۷ درصد کاهش به ۳/۶۷ میلیارد دلار رسید که با در نظر گرفتن واردات ۱۰ میلیارد مترمکعبی گاز از ایران در سال ۲۰۱۵، نشان می‌دهد که این موازنه به‌ضرر صادرات کالاهای ترکیه‌ای بوده است.^(۵) این روند با توجه به آخرین آمار سال ۲۰۱۶ همچنان سیر نزولی را نشان می‌دهد.

جدول شماره (۱). صادرات و واردات دوجانبه بین ایران و ترکیه

۲۰۱۱	۲۰۱۲	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	*۲۰۱۶	
۳/۵۹	۹/۹۲	۴/۱۹	۳/۸۸	۳/۶۷	۱/۴۴	صادرات ترکیه (میلیارد دلار)
۱۲/۴۶	۱۱/۹۷	۱۰/۳۸	۹/۸۳	۶/۱۰	۱/۵۰	واردات ترکیه (میلیارد دلار)
۱۶/۰۵	۲۱/۸۹	۱۴/۵۷	۱۳/۷۱	۹/۷۷	۲/۹۴	ارزش
-۸/۸۷	-۲/۰۵	-۶/۱۹	-۵/۹۵	-۲/۴۳	-۰/۰۶	میانگین

Source: Turkish Statistical Institute *January-April 2016

به دلیل موازنه تجاری منفی، ترکیه خواهان صادرات بیشتر کالا به ایران است، ولی مشکل عمده در این زمینه اعمال تعرفه بالای گمرکی از سوی ایران و رقیب جدی کالاهای چینی است. این کشور همچنین خواستار گسترش گردشگری بین دو کشور است.^(۶) علاوه بر مبادلات تجاری و بازرگانی، از سال ۲۰۱۰ تعداد ۱۴۷۰ شرکت ترکیه‌ای، ۳/۸ میلیارد دلار در ایران سرمایه‌گذاری کرده‌اند (Cetinguelc, 2016) و تا سال ۲۰۱۶ تعداد ۱۳۰ شرکت ترکیه‌ای در ایران و ۳۶۰۴ شرکت ایرانی در ترکیه فعالیت تجاری داشته‌اند.^(۷) همچنین میزان سرمایه‌گذاری ترکیه در ایران از سال ۱۹۹۶ تا سال ۲۰۱۴ به ۱۲۹۲ میلیون دلار رسیده، در حالی که سرمایه‌گذاری ایران در ترکیه حدود ۱۰۱ میلیون دلار بوده است.^(۸) (Cakirglu, 2014).

اگرچه آمار نشان می‌دهد که روند توسعه روابط اقتصادی دو کشور به نفع هر دو طرف روبه گسترش بوده، یک تجزیه و تحلیل دقیق نشان‌دهنده برخی ناکامی‌های جدی در روابط اقتصادی دو کشور است (Kunu, 2016). رشد سریع حجم تجارت بین دو کشور بیشتر ناشی از عادی شدن روابط دوجانبه و استفاده از ظرفیت‌های خالی، پس از یک دهه بحرانی بوده تا اجرای راهبردها و اقدامات جدید؛ برای مثال، موافقت‌نامه تجاری، پس از ۹ سال در ۲۰۰۵ امضا شد یا کمیسیون تجاری از ۲۰۰۱ شروع شد.^(۹)

هنگامی که آمار مربوط به روابط تجاری دو کشور را تجزیه و تحلیل می‌کنیم به این نتیجه می‌رسیم که روابط آنها بیشتر متکی بر منافع کوتاه‌مدت طرفین بوده تا منافع ناشی

از همکاری درازمدت و راهبردی و طرفین بیشتر در بخش منعطف تجارت تمایل به همکاری داشته‌اند و نه در عرصه غیرمنعطف سرمایه‌گذاری بلندمدت مستقیم. بر این اساس تنها تجارت بلندمدت و پایدار بین ایران و ترکیه، تجارت گاز طبیعی از طریق لوله‌های انتقال گاز و تجارت برق از طریق خطوط ارتباطی بوده و روابط انرژی بین دو کشور، بر مجموع روابط تجاری سایه افکنده است؛ بنابراین تجارت انرژی، جنبه مهم روابط اقتصادی ایران و ترکیه است که در روابط اقتصادی دوجانبه، نه تنها به دلیل سهم آن در حجم روابط تجاری، بلکه به دلیل اهمیت حیاتی راهبردی آن برای طرفین، تأثیر بسیار زیادی داشته است (Serkan KÜNÜ Yrd, 2016).

ترکیه یک کشور تشنه انرژی با اقتصاد روبه‌رشد است که منابع انرژی کافی بومی برای تأمین مصارف داخلی نداشته و به‌ویژه از نداشتن منابع انرژی فسیلی رنج می‌برد، در حالی که ایران از منابع وسیع هیدروکربنی برخوردار است، اگرچه در امر پالایش و زیرساخت‌های صنعتی مربوط به آن، ضعف‌هایی دارد؛ بنابراین، ایران نیاز شدیدی به سرمایه و تولیدات صنعتی در این بخش دارد و این نیازهای اقتصادی از طریق فروش و درآمد منابع انرژی قابل تأمین است. این در حالی است که سوخت و تولیدات معدنی، بخش قابل توجهی از ساختار صادرات ایران را تشکیل می‌دهند.

در مجموع، فارغ از حوزه انرژی، اگر نزدیکی جغرافیایی دو کشور و ساختار اقتصادی مکمل آنها را با هم در نظر بگیریم، ظرفیت مساعدی برای همکاری‌های بیشتر اقتصادی وجود دارد. روابط انرژی دو کشور نیز تنها منحصر به لوله‌های انتقال گاز نمی‌شود و به سه بخش لوله‌های انتقال گاز طبیعی، تجارت نفت، و برق قابل تقسیم است.

۴. اولویت گاز در روابط انرژی دوجانبه

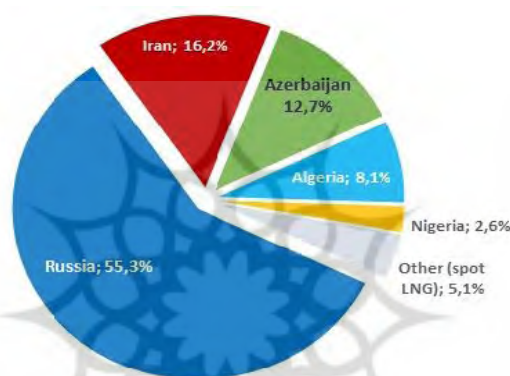
در زمینه انتقال گاز طبیعی، روابط بین تهران و آنکارا نمونه کاملی از بازی با حاصل جمع مثبت^۱ و برد - برد^۲ است. ترکیه قادر به تأمین تنها ۱/۷ درصد از مصرف گاز

^۱. Positive-Sum Game

^۲. Win-Win Game

سالانه خود از طریق تولید داخلی بوده و بنابراین، وابسته به تأمین‌کنندگان خارجی مانند ایران است (EPDK, 2012). در سال ۲۰۰۵، واردات گاز ترکیه از ایران تنها ۴/۲ میلیارد متر مکعب بود، اما در سال ۲۰۱۱ این مقدار به ۸/۲ میلیارد متر مکعب افزایش یافت که حدود ۱۹ درصد کل واردات گاز ترکیه می‌شود که چیزی حدود ۴۴ میلیارد متر مکعب است (EPDK, 31-32). این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۱۸ درصد، در طول سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ به ۲۰ درصد، و در سال ۲۰۱۵ به ۱۶/۲ درصد رسید.^(۱۰)

نمودار شماره (۲). سهم ایران از واردات گاز ترکیه (سال ۲۰۱۵ به درصد)



اگرچه مقدار قابل توجه تجارت گاز و هزینه نسبتاً پایین آن، دو مؤلفه مهم به‌شمار می‌آیند، ولی به لحاظ قیمت، گازی که ترکیه از ایران وارد می‌کند، گران‌قیمت‌ترین بخش واردات گاز این کشور است (Altunsoy, 2013). با وجود این واقعیت که قیمت بالای گاز در بعد اقتصادی و حتی بالقوه سیاسی آن، برای ترکیه وابستگی و چالش جدی ایجاد می‌کند، اما توسعه روابط گازی به دلایل مختلفی برای ترکیه اهمیت دارد، که در بین آنها، ضرورت‌های اقتصادی و راهبردی، جایگاه ویژه‌ای دارند.

بعد ضرورت اقتصادی، شامل دو وجه است: نخست، سهم قابل توجه گاز به‌عنوان منبع تولید برق این کشور که متکی به سوخت‌های فسیلی است و گاز در این میان با دارا بودن سهم ۴۴/۷ درصدی در تولید برق (EPDK, 2012) جایگاه مهمی دارد. مشکل ترکیه، محدودیت منابع بومی متعارف^۱ در دسترس بخش تولید برق است و تنها چاره این کشور،

^۱. Conventional Resources

تأمین منابع خارجی انرژی بوده و ایران به دلیل نزدیکی جغرافیایی، امکان ارتباط زمینی، ظرفیت تولید بالای گاز طبیعی، و تمایل شدید به تبدیل منابع طبیعی خود به درآمد اقتصادی، جزء منطقی‌ترین انتخاب‌های ممکن است. براساس آمار، ایران پس از روسیه که بیش از نیمی از گاز ترکیه را تأمین می‌کند، دارای جایگاه دوم (EIA, 2012) است و بنابراین ترکیه به آن به‌عنوان تأمین‌کننده باثبات درازمدت می‌نگرد و از این منظر، اهمیت تجارت گاز برای ترکیه بیشتر از ایران به‌نظر می‌رسد.

بعد دوم، مقدار مصرف بالای گاز در سایر بخش‌ها از صنایع گرفته تا مصرف خانگی است، به‌گونه‌ای که ۵۲ درصد گاز طبیعی در بخش‌هایی به‌جز تولید برق مصرف می‌شود (Dektmak, 2013). در بعد صنعتی نیز گاز ایران نسبت به سایر منابع وارداتی گاز ترکیه ویژگی‌هایی فنی دارد که به نفع این کشور است. گاز ایران در بین ۱۰ کشور صادرکننده گاز به‌لحاظ کیفیت^۱، در رتبه ششم و بالاتر از گاز روسیه قرار دارد (EIA, 2013). این آمار نشان‌دهنده اهمیت واردات گاز از ایران برای ترکیه و پیامدها و نگرانی از هرگونه اختلال در این روند است. به‌علاوه نیاز ترکیه به گاز وارداتی در حال افزایش بوده و بر همین اساس، وابستگی آنها به واردات آن از ایران نیز روبه‌فزونی است که با توجه به سیاست دو کشور برای معقول‌سازی روابط در زمینه انرژی براساس عقلانیت اقتصادی و بازی مجموع مثبت، جای نگرانی جدی وجود ندارد (Aras and Polat, 2008: 508).

دومین ضرورتی که موجب می‌شود ترکیه تجارت گازی خود با ایران را افزایش دهد، ماهیتی استراتژیک دارد و آن، نیاز ترکیه به متنوع‌سازی منابع واردات گاز خود است، زیرا کشورهایی که به‌طور کامل برای تأمین انرژی خود وابسته به واردات هستند، در صورت وابسته شدن به یک کشور خاص برای واردات، ضریب وابستگی و آسیب‌پذیری خود را افزایش می‌دهند؛ بنابراین به‌دلیل مصرف زیاد گاز، هرگونه خطر اختلال در تأمین منابع مطمئن باید کاهش یابد و این مسئله عنصر اولویت‌داری در جهت‌گیری سیاست خارجی و اقدام ترکیه در این زمینه است (Barysch, 2007). به‌عبارت دیگر، تأمین منبع انرژی به‌عنوان یک موضوع سیاست خارجی، زمینه امنیتی شدن موضوعات مرتبط با انرژی را فراهم می‌کند (Victor and

¹. Calorific Value

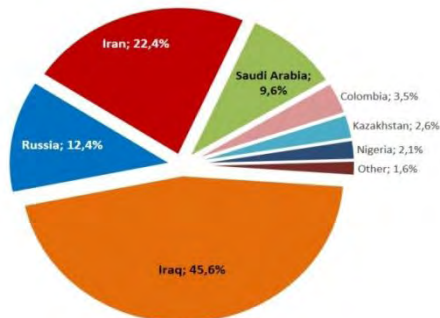
Yueh, 2010). لذا علاوه بر اهمیت حفظ استانداردهای زندگی شهروندان، وابستگی به انرژی، نوعی ضعف راهبردی برای کشورها در جهان سیاست ایجاد می‌کند (Shaffer, 2009)؛ به همین دلیل کشورهای واردکننده انرژی، بخشی از واردات خود را به واردات گاز هرچند گران‌قیمت‌تر، از منابع متنوع‌تر اختصاص می‌دهند، و بر این اساس، ترکیه نیز گاز را با قیمت بالاتر از قیمت روسیه، از ایران وارد می‌کند.

ضعف راهبردی آنکارا در برابر مسکو باعث شد که ترکیه در پی یافتن تأمین‌کنندگان جدید انرژی باشد و از آنجا که ایران، نزدیک‌ترین کشور از لحاظ حمل‌ونقل به ترکیه بود، به این منظور انتخاب شد. در سال ۲۰۰۷ دو یادداشت تفاهم بین طرفین امضا شد که یکی از آنها مربوط به ساخت خط لوله انتقال گاز، و دیگری مربوط به تأسیس یک شرکت مشترک برای انتقال گاز ایران به اروپا از طریق ترکیه، ساخت سه کارخانه حرارتی تولید برق، و توسعه بخش‌هایی از پروژه گازی پارس جنوبی توسط شرکت ملی انرژی ترکیه^۱ در ایران در سال ۲۰۱۱ بود. افتتاح خط انتقال گاز تبریز-ارزروم، موجب افزایش تجارت بین دو کشور شد (The Economist, 2015).

در حوزه تجارت نفت، روابط دو کشور از سطح بسیار خوبی برخوردار است، هرچند بین نسبت واردات نفت به واردات گاز ترکیه یک رابطه معکوس بین واردات از ایران و روسیه وجود دارد و افزایش یکی، باعث کاهش دیگری می‌شود. طی سه سال گذشته افزایش سهم واردات گاز ترکیه از ایران به کاهش سهم واردات نفت خام منجر شده است. (Esfahani et al., 2013). در سال‌های اخیر به سبب واردات فزاینده انرژی از ایران، توازن تجارت به ضرر ترکیه بوده است، به گونه‌ای که صادرات نفت ایران به ترکیه تأثیر مثبتی بر تولید ناخالص ملی واقعی ایران داشته است؛ البته هنوز بازارهای مالی به بلوغ لازم نرسیده‌اند و برای رسیدن به بلوغ، نیاز به زمانی طولانی دارند (Esfahani, Mohaddes & Pesaran, 2013).

¹ Turkey, s National Energy Company (TPAO)

نمودار شماره (۳). سهم ایران از واردات نفت ترکیه (سال ۲۰۱۵ به درصد)



با توجه به اینکه بین ایران و ترکیه خط لوله انتقال نفت وجود ندارد، صادرات نفت ایران به این کشور به وسیله کشتی‌های تانکر، از طریق تنگه هرمز و با خطر امنیتی بالایی انجام می‌شود. ترکیه درصدد توسعه ترمینال سیحان^۱ به‌عنوان یک مرکز ثقل^۲ منطقه‌ای انرژی در کنار دریای مدیترانه است و قصد دارد تا پنج سال آینده، ظرفیت تصفیه نفت خام خود را به دو برابر افزایش دهد که این امر، نیاز ترکیه به نفت خام را به دو برابر خواهد رساند؛ بنابراین، ایران نیز در فهرست انتخاب‌های با اولویت ترکیه برای واردات نفت خام باقی خواهد ماند. البته ایران با محدودیت ظرفیت تصفیه روبه‌رو بوده و تا حد قابل‌توجهی به منابع خارجی به‌ویژه بنزین، وابسته است. طی سال‌های اخیر، تلاش شده است، ظرفیت تصفیه نفت خام در کشور از طریق بهبود و مدرنیزاسیون صنعت نفت بالا برود، ولی تحریم‌ها سبب شده‌اند که این مسئله با مشکلات جدی‌ای روبرو شود؛ بنابراین، ایران بخش مهمی از نیاز خود به گازوئیل و بنزین را از طریق تصفیه‌خانه‌های ترکیه تأمین می‌کند. با تکمیل تصفیه‌خانه‌هایی در آدانا^۳، دریای مدیترانه، از میر و دریای اژه، حجم تجارت دو کشور افزایش خواهد یافت.

در مورد تجارت برق، حجم روابط دو کشور، محدود و در مقایسه با روابط گاز و نفت خام، کم‌اهمیت‌تر است که انتظار می‌رود این وضعیت تغییر کند. در حال حاضر دو خط مواصلاتی،

^۱. Ceyhan

^۲. Hub

^۳. Adana

شبکه‌های برق ایران و ترکیه را به هم متصل می‌کند. یکی با ظرفیت ۴۰۰ کیلووات در ترکیه به ایستگاه باسکوی^۱ و در ایران به خوی، و دیگری با ظرفیت ۱۵۴ کیلووات در ترکیه به دوگیبازیت^۲ و در ایران به بازرگان، متصل است که هر دو خط در حال بهره‌برداری هستند (Teiaş, 2013). واردات برق ترکیه از ایران در سال ۲۰۱۱ به میزان ۱۰۷۴/۵GWh بوده که در سال ۲۰۱۴ به ۸۵۰GWh کاهش یافته است (Çakiroğlu, 2014).

شرکت برق ترکیه^۳ اعلام کرده است، قصد دارد با بهبود زیرساخت‌های خود و افزایش صادرات و واردات برق با کشورهای همسایه به پل ارتباطی برق در منطقه تبدیل شود (Teiaş, 2012). ایران نیز قصد دارد با یک برنامه‌ریزی راهبردی و به‌عنوان بخش حمایتی از اهداف سیاست خارجی‌اش، با اضافه کردن سالانه ۵۰۰۰ مگاوات به ظرفیت تولید برق خود، به یک تأمین‌کننده عمده برق در منطقه تبدیل شود (Press TV, April 4, 2012) تا منابع طبیعی‌اش را به قدرت اقتصادی خود در رابطه با ترکیه تبدیل کند.

لذا در ژئوپلیتیک انرژی، رابطه ایران و ترکیه به‌عنوان پل ارتباطی بین کشورهای با منابع انرژی غنی و اقتصادهای تشنه انرژی، نقش محوری دارد. هرچند ایران به‌دلیل شرایط حاکم بر روابط سیاسی خود در سطح بین‌المللی، برای انتقال منابع انرژی خود با انتخاب‌های محدودی روبه‌رو است و ترکیه به‌عنوان یک کشور انتقالی، جزء این انتخاب‌ها است (Öğütçü, 2010)؛ بنابراین، برای تهران، ایجاد و تقویت روابط انرژی با ترکیه تقریباً یک الزام به‌شمار می‌آید (Winrow, 2004)، زیرا ۹۰ درصد کل گاز صادراتی ایران از طریق ترکیه صادر می‌شود (CBoI, 2013) و با در نظر گرفتن اینکه بیش از ۸۴ درصد صادرات ایران در حوزه سوخت و تولیدات معدنی از جمله نفت و گاز است، یکی از مهم‌ترین منابع تأمین‌کننده درآمد اقتصادی ایران است (WTO, 2013). ایران به‌دلیل اتکا به نفت به‌عنوان نخستین تأمین‌کننده و دومین منبع گاز ترکیه (Babali, 2012) یک کشور راهبردی برای اقتصاد سیاسی این کشور محسوب می‌شود و می‌تواند گاهی اوقات از این وابستگی ترکیه به‌عنوان ابزار سیاست خارجی به‌مثابه سیاست دفاعی بدون اسلحه استفاده کند. جریان گاز

¹. Baskoy

². Dogubeyazit

³. TEIAS

نیز همچنان منبعی برای تنش با ایران محسوب شده و ترکیه بارها ادعا نموده که ایران موافقت‌نامه موجود را نقض کرده است (BABALI, 2012).

بنابراین با در نظر گرفتن ملاحظات مورد اشاره درباره روابط اقتصادی دوجانبه بین ایران و ترکیه که با محوریت گاز طبیعی در روابط انرژی و محوریت روابط انرژی در روابط اقتصادی دو کشور استمرار دارد، دورنمای روابط سودآوری برای طرفین که موجب روابط اقتصادی پایدار دوجانبه می‌شود، به چشم می‌خورد. سفرهای اخیر رؤسای جمهور دو کشور، افق جدیدی از روابط روبه‌گسترش دو کشور را به نمایش گذاشت. طرفین ضمن تأکید بر پیشینه، علایق و ویژگی‌های مشترک تاریخی تأکید کردند، دو کشور با برخورداری از سواحل طولانی، استقرار در حوزه استراتژیک جهانی، و موقعیت ژئوپلیتیک خود در حمل‌ونقل دریایی و اقتصاد سیاسی، نقش مهمی در تحولات منطقه بازی می‌کنند. همچنین طرفین ضمن تأکید بر ضرورت اتصال دریای خزر به حوزه دریای سیاه و مدیترانه با خلیج فارس و دریای عمان، خواستار اتصال مناطق و حوزه‌های تجاری دو کشور از طریق شاهراه‌های دریایی و ریلی شدند. همچنین تصمیم گرفتند از فعالیت‌های سازمان همکاری‌های اقتصادی اکو حمایت کرده و همکاری‌های کشورهای عضو را از طریق گروه افراد برجسته^۱ و موافقت‌نامه تجاری اکو^۲ تعمیق کنند. توافق دیگر، فروش گاز به ترکیه و گسترش جهانگردی بود. با توجه به حجم و تعداد گردشگران ایرانی که به ترکیه سفر می‌کنند، ایران از سرمایه‌گذاران ترک خواست که در امر هتل‌سازی در ایران شرکت کنند و تسهیلات و امکانات لازم در اختیار سرمایه‌گذاران قرار گیرد.

در مجموع، مشکل اساسی در روابط اقتصادی دوجانبه، عدم توفیق در ایجاد یک رابطه نظام‌مند درازمدت است، زیرا نوعی شکاف عمیق و عدم توازن بین صادرات و واردات دو کشور وجود دارد و ترکیه، به‌ویژه در صنایع بالادستی و پایین‌دستی انرژی، به اندازه کافی در ایران سرمایه‌گذاری مستقیم انجام نداده است. اگرچه این پیش‌بینی وجود دارد که روابط اقتصادی و تجاری دو کشور، با حل‌وفصل نهایی موضوع هسته‌ای ایران و رفع تحریم‌ها، تا

^۱. Eminent Persons Group (EPG)

^۲. Economic Cooperation Organization's Trade Agreement (ECOTA)

میزان ۱۰۰ میلیارد دلار در سال افزایش یابد، ولی به دلیل وجود تنش‌های سیاسی و رقابت‌های منطقه‌ای، روابط دو کشور همچنان شکننده خواهد بود.

۵. تأثیر ساختارهای منطقه‌ای و جهانی بر سیاست خارجی ایران در مورد ترکیه

۵-۱. تأثیر کشورهای ابرقدرت

در دوره‌های مختلف تاریخی، هریک از دو کشور ایران و ترکیه تحت تأثیر بازی ابرقدرت‌ها نقش‌های مختلفی را به نفع و یا به ضرر یکدیگر ایفا کرده‌اند. با تداوم و بالا گرفتن منازعه ایران و آمریکا در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای، آمریکا از بسط مدل سکولار ترکیه در جهان اسلام در برابر مدل جمهوری اسلامی حمایت کرده است. همچنین دولت آمریکا ضمن ایجاد موانع جدی در طرح‌های گازی و نفتی منطقه‌ای، به طرفداری از ترکیه پرداخته (Özcan and Özdamar, 2009) که خود، منجر به نزدیک‌تر شدن ایران به روسیه و چین به‌عنوان سایر قدرت‌های جهانی شده است (Aras & Özbay, 2008)؛ همچنین عواملی مانند عضویت ترکیه در ناتو و دسترسی به فناوری و قدرت سخت‌افزاری نظامی آمریکا، بهره‌مندی از امنیت ناشی از چتر هسته‌ای آمریکا، حمایت مستقیم و غیرمستقیم مالی آمریکا از طریق سازمان‌های بین‌المللی مالی و پولی به‌ویژه در دوران بحران مالی، و اشتراک منافع با آمریکا در مورد سوریه، سبب شده است که ترکیه روابط با آمریکا را در سطح مطلوبی حفظ کند.

۵-۲. جنگ دوم خلیج فارس

جنگ دوم خلیج فارس موجب بهبود روابط ایران و ترکیه شد. اگرچه اقدام آمریکا در شکست دادن طالبان و سرنگونی رژیم صدام برای ایران اموری مثبت تلقی می‌شد، لیکن حضور آمریکا در همسایگی ایران، خود تهدیدی جدی‌تر به‌شمار می‌آید. ترکیه نیز به دلیل مخالفت پارلمان این کشور با دراختیار گذاشتن پایگاه‌های نظامی‌اش برای حمله به عراق و فشار افکار عمومی در وضعیتی قرار گرفت که مجبور شد اتحاد نظامی خود با آمریکا را نادیده بگیرد (Ozdamar & Taydas, 2010). هر دو کشور نیز نگران بودند که تجزیه عراق باعث برانگیخته شدن کردهای دو کشور برای استقلال‌خواهی شود.

۳-۵. تحریم‌های بین‌المللی و یکجانبه علیه ایران

با بحرانی شدن مسئله هسته‌ای و پس از ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل و اعمال تحریم‌ها، هرچند ایران موفق شد تا حدی تحریم‌های اعمال‌شده یکجانبه و بین‌المللی را دور بزند، لیکن تحریم‌های هوشمند^۱ مربوط به فروش نفت ایران و واردات بنزین در سال ۲۰۱۰ موجب شد که بانک مرکزی و سایر نهادهای ملی برای انجام جابه‌جایی‌های مالی خود با مشکلات جدی روبه‌رو شوند. روابط دوجانبه تجاری ایران و ترکیه نیز به‌طور جدی آسیب دید. در طول سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ صادرات نفت ایران به ترکیه بیش از ۲۵ درصد کاهش یافت (EIA, 2012) و ترکیه با توجه به دشواری یافتن منبع واردات نفت جدید، تلاش کرد از طریق مذاکره با آمریکا راه‌حلی پیدا کند (Hurriyet Daily News, 2013)؛ در نتیجه کنگره آمریکا در سال ۲۰۱۲ با طرح مصوبه‌ای ترکیه را از تحریم‌های نفتی ایران مستثنی کرد (Katzman, 2014). همچنین ترکیه مبالغ مربوط به خرید انرژی از ایران را از طریق بانک دولتی هال بانک^۲ به‌صورت طلا پرداخت کرد. این بانک همچنین بخشی از بدهی‌های مالی هند بابت خرید نفت را به ایران منتقل کرد و به همین دلیل در سال ۲۰۱۳ در فهرست تحریم‌های آمریکا قرار گرفت^(۱۳). با اعمال تحریم سوئیفت^۳ بانکی علیه ایران، ترکیه به‌دنبال تبدیل شدن به یک مرکز مالی در منطقه برای ایفای نقش میانجی در نقل‌وانتقالات مالی مربوط به خرید نفت ایران بود که بیش از ۱۰۰ میلیارد دلار در کشورهای مختلف برآورد می‌شود.

همچنین اعمال تحریم‌ها علیه ایران اهمیت ترکیه را برای تجارت خارجی ایران افزایش داد. در پنج سال گذشته حجم روابط اقتصادی و تجاری دو کشور به بالاترین سطح خود رسید که تلاشی برای دور زدن تحریم‌ها به‌ویژه برای واردات کالاهای و مواد موردنیاز کشور بود. این مسئله باعث هشدار دادن آمریکا به شرکت‌های ترکیه‌ای مبنی بر از دست دادن بازار آمریکا شد. ترکیه از اعمال تحریم‌های یکجانبه آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران سر باز زده، ولی هم‌زمان برای پیروی از تحریم‌های اعمال‌شده توسط سازمان ملل متحد، ابراز تمایل کرده است.

¹. Smart Sanctions

². Halbank

³. Swift

اعمال فشارهای امریکا مشکلاتی برای اجرای برخی موافقت‌نامه‌های بین دو کشور ایجاد کرد. اجرای موافقت‌نامه ۲۰۰۷ همکاری‌های دو کشور در بخش انرژی، پیشرفت قابل توجهی نداشته است. همچنین در سال ۲۰۱۲، شرکت‌های نفتی ترکیه‌ای خرید نفت خود از ایران را کاهش دادند، تعداد گردشگران ایرانی بازدیدکننده از ترکیه که در سال ۲۰۱۲ دویست و دو میلیون نفر بود، در سال ۲۰۱۳، چهل درصد کاهش یافت و همکاری‌های امنیتی و مرزی دو کشور و رفت‌وآمدهای دیپلماتیک نیز افت چشمگیری داشته است (حق‌پناه، ۱۳۹۲: ۳۴).

۴-۵. برنامه هسته‌ای ایران

ترکیه در مورد برنامه هسته‌ای ایران، سیاست دوگانه‌ای داشته است؛ از یک سو به دلیل نگرانی‌های امنیتی، از افزایش بالقوه قدرت و نفوذ ایران در منطقه خاورمیانه بیمناک بوده و سیاستش در این زمینه، مبتنی بر مخالفت با گسترش سلاح‌های هسته‌ای و ضرورت ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای و خلع سلاح اسرائیل است، و از سوی دیگر، از انتقاد از برنامه هسته‌ای ایران به‌طور صریح، پرهیز کرده و در مقاطعی سعی نموده است نقش میانجی را بین ایران و غرب ایفا کند (Schleifer, 2006). همچنین به دلیل همکاری‌های امنیتی و انرژی با ایران با هرگونه اقدام نظامی علیه ایران مخالفت کرده و تأکید کرده است «بهترین سیاست برای برنامه هسته‌ای ایران، گفت‌وگو و دیپلماسی به جای تحریم و منزوی کردن ایران است» (Reuters, 2008). ترکیه ضمن حمایت از گفتگوهای ایران با EU3، در مه ۲۰۱۰، به همراه برزیل طرح سوآپ اورانیوم غنی شده ایران به خاک ترکیه را برای حل مسئله هسته‌ای ایران پیشنهاد کرد که به دلیل عدم حمایت امریکا و اروپا ناکام ماند و به همین سبب، ترکیه نیز در جریان رأی‌گیری شورای امنیت در ژوئن ۲۰۱۰ به قطعنامه تحریم‌های جدید علیه ایران رأی منفی داد. اگرچه در روند مذاکرات هسته‌ای ایران با ۵+۱ یک دور از این مذاکرات، در استانبول برگزار شد، ولی سایه اختلاف‌های سنگین دو کشور در مورد سوریه و عراق سبب شد که با بی‌میلی ایران، نقش میانجیگری ترکیه بین ایران و غرب کاهش یافته و مذاکرات بعدی در بغداد، مسکو، و آلماتی برگزار شود.

۵-۵. تحولات منطقه خاورمیانه

پس از رخداد بهار عربی، آغاز بحران در سوریه، و عقب‌نشینی نیروهای امریکایی از عراق، تحولات عمده و مهمی در روابط ایران و ترکیه اتفاق افتاد و این مسائل سبب شد که همکاری‌های روبه‌گسترش دو کشور در سطح اقتصادی و تجاری هم‌زمان با تشدید رقابت تاریخی بین آنها برای افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای خود، تحت تأثیر قرار گیرد، زیرا هر دو کشور تلاش کردند با بهره‌گیری از شرایط جدید منطقه، جهت تغییرات را به نفع نظم نوین مدنظر و کسب منافع خود تغییر دهند (F.S. Larrabee, 2013).

با پیروزی و روی کار آمدن احزاب اسلامی در کشورهای متحول‌شده عربی، به‌نظر می‌رسید که اوضاع در مجموع به نفع ترکیه است؛ به‌طوری‌که این‌گونه تبلیغ می‌شد که ترکیه و نه ایران محافظه‌کار، مدل مناسب و منبع الهام برای الگوبرداری کشورهای در حال انتقال منطقه بوده و/اردوغان نیز محبوب‌ترین رهبر منطقه است. موفقیت ترکیه در تجمیع اسلام سیاسی و دموکراسی، اقتصاد موفق و نقش مؤثر و فعال‌تر در بحران‌های منطقه‌ای و جهانی، همگی مؤلفه‌هایی بودند که توسط رسانه‌ها، به‌ویژه در کشورهای شمال آفریقا تبلیغ می‌شدند. موضع‌گیری شدید اردوغان علیه اسرائیل در جریان حمله به نوار غزه و حمایت از مردم فلسطین نیز از جمله عواملی بودند که به آفرینش چنین تصویری کمک می‌کردند. این در حالی بود که تلاش می‌شد با تبلیغات، این‌گونه القا شود که ایران به‌دلیل تندروی‌های مذهبی، محبوبیتی در منطقه ندارد (Akcün, et al., 2011)، اما آخرین نظرسنجی‌های منابع ترکیه‌ای نشان می‌دهد محبوبیت این کشور در کشورهای اسلامی منطقه به‌ویژه در سوریه و مصر کاهش قابل توجهی داشته است (Hurriyet Daily News, 2013).

۵-۶. عراق

با عقب‌نشینی نیروهای امریکایی از عراق در سال ۲۰۱۱ دو کشور رقابت خود را برای پرکردن خلاء ایجادشده آغاز کرده‌اند. البته واضح است که به‌لحاظ سیاسی و امنیتی، نفوذ و تأثیر ایران به‌دلیل ارتباط نزدیک با گروه‌های قدرتمند شیعه حاکم و سایر گروه‌های مهم و تأثیرگذار در عراق از جمله مرجعیت شیعه، قابل‌مقایسه با ترکیه نیست. ترکیه ضمن تلاش

برای حفظ و تقویت نفوذ خود بین جامعه و احزاب سنی‌مذهب عراق، سعی کرده است در بخش اقتصادی و انرژی به‌ویژه در اقلیم خودمختار کردستان غنی از ذخایر نفتی، گوی رقابت را از حریف ایرانی خود برآید؛ به‌گونه‌ای که طی چند سال گذشته تبدیل به شریک نخست تجاری کردستان عراق شده است؛ مسئله‌ای که در روابطش با قدرت مرکزی عراق و تهران بی‌ثباتی ایجاد می‌کند. هرچند به‌نظر می‌رسد ترکیه سعی دارد تا حد ممکن دوباره به سیاست پرهیز از بروز مشکل با همسایگانش بازگردد (Hurriyet Daily News, 2013).

۷-۵. بحران سوریه و یمن

با آغاز بحران سوریه، اختلاف‌نظر ترکیه و ایران در مورد این کشور از سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید. ترکیه و متحدانش در منطقه و جهان برای سرنگونی حکومت بشار اسد از طریق حمایت‌های تسلیحاتی و مالی گسترده از مخالفان و گروه‌های تروریستی تلاش کرده‌اند. در مقابل، حمایت همه‌جانبه ایران و روسیه از دولت سوریه از یک‌سو سبب تغییر صحنه میدانی و تبدیل آن به صحنه جنگ داخلی و مذهبی و از سوی دیگر، موجب درگیری رقبای منطقه‌ای شد (Solat & Azizi, 2012). بحران سوریه بر روابط اطلاعاتی دو کشور در زمینه مبارزه با PKK و پژاک تأثیری منفی داشت؛ موضوعی که یک مؤلفه مهم در بهبود روابط دو کشور در دهه گذشته بوده است. از همین‌رو و برای جلوگیری از بازی ایران با کارت PKK، ترکیه از سال ۲۰۱۲ روند مصالحه با این گروه را آغاز کرده که هنوز به سرانجام قطعی نرسیده است.

با پیروزی‌های میدانی دولت سوریه و تغییر صحنه بحران این کشور که توازن منطقه‌ای را به نفع متحدان سوریه از جمله ایران و روسیه تغییر داده است، به‌نظر می‌رسید میزان تنش در روابط دو کشور کاهش یافته است؛ به‌گونه‌ای که در ملاقات وزیر امور خارجه دو کشور، د/وود/وغلو، وزیر امور خارجه وقت ترکیه اعلام کرد: «خواستار آتش‌بس در منازعه سوریه براساس کنفرانس ۲۰۱۴ صلح ژنو ۲ است» (Solomon, 2013)، ولی با تداوم همکاری نزدیک ترکیه و آمریکا برای آموزش مخالفان سوری و ارائه کمک‌های مالی و تسلیحاتی در کنار قطر و عربستان سعودی برای تغییر رژیم اسد، همچنان زخم حاد و

عمیقی در روابط دو کشور به چشم می‌خورد. هرچند برخی تحلیل‌گران معتقدند، ترکیه باید در سیاست خود در مورد منطقه تجدیدنظر کرده و به جای پیگیری رویکرد تبدیل شدن به الگوی منطقه‌ای، سیاست یافتن شرکای صلح^۱ را همراه با ایران در میان‌مدت و درازمدت تعقیب کند (Idiz, 2013). همچنین در پی حمله عربستان و نیروهای ائتلاف به یمن در سال ۲۰۱۵ و حمایت ترکیه از این ائتلاف، نقطه اختلاف جدید دیگری در عرصه سیاست خارجی بین دو کشور ایجاد شده است. همچنین دولت ترکیه از اعدام روحانی برجسته شیعه عربستانی، شیخ/نمر که بازتاب زیادی در کشور شیعه ایران داشت، با ادعای مربوط نبودن مسائل داخلی کشورها به دیگران، به شدت حمایت کرد (Islam, 2015).

۶. تلاش ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا

ترکیه سالیان متمادی است که خواهان پیوستن به اتحادیه اروپاست. تا آنجاکه این موضوع به روابط دو کشور ایران و ترکیه مربوط می‌شود، برخی تحلیل‌گران معتقدند، سیاست‌مداران و دیپلمات‌های ترکیه برای تحقق رؤیای اروپایی شدن خود بیشتر جهت‌گیری‌های خود در سطح کلان را با این رویکرد تنظیم می‌کنند که بالطبع چندان به سود همکاری‌های دوجانبه با ایران نیست. برخی نیز بر این نظر هستند که با ایجاد موانع جدی برای پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپا که از سال ۲۰۰۵ جدی‌تر شد، این کشور از عنصر روابط با سایر کشورها به‌ویژه کشورهای شرق و کشورهای اسلامی از جمله ایران به‌عنوان کارت بازی یا حتی تغییر روابط به سمت کشورهای خاورمیانه استفاده کرده که در مجموع به نفع روابط ایران با این کشور بوده است (Islam, 2015).

۷. روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی

روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی یکی از عوامل بازدارنده در روابط ایران با این کشور بوده است. همواره این تصویر ذهنی در ایران وجود داشته است که رژیم صهیونیستی نفوذ زیادی در ترکیه دارد و موافقت‌نامه‌های سیاسی و امنیتی بین آنها، ماهیت ضدایرانی دارند؛

¹. Partners in Peace

هرچند رهیافت کلی ترکیه در مورد این رژیم، سیاست احتیاط همراه با گرایش به همکاری بیشتر تا زمانی است که حقوق مردم فلسطین به صورت بارزی نقض نشده است، زیرا افکار عمومی مسلمانان این کشور به شدت ضداسرائیلی و در حمایت از مردم فلسطین است؛ به ویژه در پی تحولات سال‌های اخیر در روابط ترکیه و رژیم صهیونیستی از جمله حمله به غزه^۱ و حمله به کشتی‌های کمک‌رسان فلوتیلا^۲ و کشته شدن تعدادی از شهروندان ترک در این حادثه، دولت این کشور ضمن انتقاد شدید از نقض حقوق بشر در فلسطین توسط رژیم اشغالگر اسرائیل، سیاست‌ها و اقدامات خصمانه‌ای را علیه این رژیم در سطح سازمان ملل و مراجع حقوقی بین‌المللی، تعقیب کرده است.

۸. استقرار سامانه دفاعی ناتو در ترکیه

تصمیم دولت ترکیه در اواخر سال ۲۰۱۱ برای مشارکت در طرح سامانه دفاع موشکی ناتو از طریق موافقت با استقرار سیستم رادار هشداردهنده^۳ در جنوب شرقی این کشور اگرچه آشکارا اقدامی علیه ایران محسوب نمی‌شد، ولی از سوی ایران، به‌عنوان یک تهدید امنیتی جدی ایران تلقی می‌شود که هدف استقرار آن را حمایت از رژیم صهیونیستی در هرگونه منازعه احتمالی منطقه‌ای به حساب می‌آورد. این مسئله درحالی اتفاق افتاد که ترکیه هنگام تصویب سند استراتژیک ناتو^۴ در سال ۲۰۱۰ تلاش کرد نام ایران به‌عنوان یک تهدید از این سند حذف شود. برخی بررسی‌ها نشان داده‌اند که زمانی که تصور تهدید از سوی یک کشور افزایش می‌یابد، هزینه‌های دفاعی همسایگان آن نیز بالا می‌رود که اثرات متقابل فزاینده‌ای بر یکدیگر دارد (Shin and Ward, 1999, Islam, 2015)؛ بنابراین عده‌ای به این نتیجه رسیده‌اند که این مسئله در روابط ایران و ترکیه نیز در پی بروز تنش‌های اخیر منطقه‌ای رخ داده است (Kaujeasf, 2016). به‌علاوه حضور ایران به‌عنوان عضو ناظر در پیمان امنیتی شانگهای، بر تقویت ظن تهدید افزوده و تأثیر منفی‌ای بر روابط

¹. Operation Cast Lead

². Gaza Freedom Flotila

³. Early- warning radar

⁴. 2010 Nato,s Strategic Concept

دو کشور هم از طریق افزایش هزینه‌های نظامی و هم کاهش تجارت و مالیه بین دو کشور داشته است (Seitz, et.al., 2015). بر این اساس، عده‌ای بر این نظر هستند که افزایش هزینه‌های نظامی ایران که وابسته به فروش منابع انرژی است، از طریق سرمایه‌گذاری بیشتر در صنایع نفت و انرژی و توسعه و تحقیقات بر رشد اقتصادی این کشور تأثیر گذاشته است (Farzanegan, 2014).

نتیجه‌گیری

روابط ایران و ترکیه همواره ماهیتی شکل‌یافته از دیالکتیک رقابت و همکاری داشته است. در حالی که رقابت، بیشتر در بخش سیاسی و امنیتی بوده، همکاری عمدتاً در بخش اقتصاد و انرژی رخ داده و برای منافع بلندمدت هر دو کشور مهم است که یک توازن و هماهنگی بین این دو وجه متعارض از روابط خود ایجاد کنند. اقتصاد سیاسی روابط ایران و ترکیه در طول سال‌های اخیر با سه ویژگی درهم‌تنیده قابل‌شناسایی است: نخست اینکه روابط سیاسی بین دو کشور هم‌وزن روابط اقتصادی، توسعه نیافته است و با وجود ماهیت همکاری در روابط اقتصادی، روابط سیاسی با عناصری از رقابت ساختاری منطقه‌ای همراه بوده است، دوم روابط اقتصادی دو کشور تحت سلطه حوزه انرژی بوده، و سوم اینکه حوزه انرژی عمدتاً شامل تجارت گاز بوده است؛ بنابراین در هرگونه بررسی و تجزیه و تحلیل اقتصاد سیاسی روابط دو کشور، نادیده گرفتن این غلبه ممکن نیست، زیرا روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور تا حد زیادی تحت تأثیر گاز صادراتی ایران به ترکیه است.

تجزیه و تحلیل روابط تجاری دو کشور نشان می‌دهد که روابط آنها بیشتر متکی بر منافع کوتاه‌مدت طرفین بوده تا منافع ناشی از همکاری درازمدت و راهبردی و آنها بیشتر به تداوم روابط در بخش منعطف تجارت تمایل داشته‌اند و نه عرصه غیرمنعطف سرمایه‌گذاری بلندمدت مستقیم. بر این اساس، تنها تجارت بلندمدت و پایدار طرفین، تجارت گاز طبیعی از طریق خط لوله انتقال گاز و تجارت برق از طریق خطوط ارتباطی بوده و روابط انرژی بین دو کشور بر مجموع روابط تجاری آنها سایه افکنده است؛ بنابراین، تجارت انرژی جنبه مهم روابط اقتصادی ایران و ترکیه است که بر روابط اقتصادی دوجانبه

نه تنها به دلیل سهم آن در حجم روابط تجاری، بلکه به موجب اهمیت حیاتی راهبردی آن برای طرفین، تأثیر بسیار زیادی داشته است.

در این مورد با نگاهی به جنبه‌های روابط اقتصادی دو کشور، دورنمای روابط، روبه‌بهبود و باثبات به نظر می‌رسد و افزایش تصاعدی نسبی روابط تجاری در طول سال‌های اخیر سندی بر ظرفیت دو کشور برای این مدعاست. از سوی دیگر، به دلیل بی‌اطمینانی مزمین و برخی اختلاف‌نظرهای جدی در عرصه سیاسی رقابت‌های منطقه‌ای هر دو کشور مجبور شده‌اند روابط خود را بیشتر با محوریت منافع کوتاه‌مدت تنظیم کنند تا روابط درازمدت و راهبردی. در این میان، در بین زمینه‌های مشترک فراوان برای همکاری‌های اقتصادی بین دو کشور، انرژی همچنان جایگاه ویژه‌ای داشته و خواهد داشت و بخش عمده روابط اقتصادی دو کشور را شکل خواهد داد که این خود، موجب عدم گسترش و آسیب رساندن به سایر زمینه‌های همکاری بین دو کشور خواهد شد.

در نتیجه می‌توان به این جمع‌بندی رسید که تا زمانی که انرژی به‌عنوان یک منبع درآمد حیاتی در روابط دو کشور وجود داشته باشد، عمل‌گرایی ژئواکونومیک بر نگرانی‌ها و اختلافات ژئوپلیتیک دو کشور غلبه داشته و این مسئله می‌تواند یک نقطه شروع مطلوب برای ارتقای همکاری دو کشور حتی برای بهبود روابط سیاسی دوجانبه باشد؛ بنابراین، توسعه روابط ایران و ترکیه تا حد زیادی بستگی به توسعه روابط اقتصادی خواهد داشت. با توجه به این واقعیت، نخست، سرمایه‌گذاری مستقیم توسط بخش خصوصی دو کشور باید در راستای ایجاد وابستگی متقابل تقویت شود تا بتواند در هنگام تنش‌های سیاسی ناشی از اختلافات بین دو کشور، تأثیرات منفی آن را تعدیل کند، اگرچه کاهش تلقی تهدید از یکدیگر همچنان برای توسعه روابط اقتصادی دوجانبه اهمیت حیاتی دارد و بهترین راه برای گسترش روابط و تنوع بخشیدن به روابط تجاری بین دو کشور از طریق انتقال ساختار مسلط انرژی و فلزات گرانبها به ساختار متنوعی از تجارت کالاها و خدمات است. جمهوری اسلامی ایران برای تبدیل شدن به یک قدرت منطقه‌ای، نیازمند یک اقتصاد قوی و ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی با کشورهای همسایه از جمله ترکیه است. در این راستا به نفع ترکیه و ایران است که تنش‌های سیاسی بین خود را از بین ببرند و سیاست‌های عمل‌گرایانه تجاری را پیگیری کنند تا موجب رفاه و امنیت بیشتر برای شهروندانشان شوند. در این مورد، سفرهای اخیر رهبران دو کشور و موافقت‌های

به دست آمده می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ بهبود روابط دوجانبه، منطقه‌ای، و جهانی دو کشور به‌شمار آید. هرچند به نظر می‌رسد موضوع اختلاف جدی دو کشور در مورد بحران سوریه، همچنان زخم عمیقی در روابط دوجانبه است و آینده روابط سیاسی آنها تا حد زیادی در گرو سیر تحولات مربوط به سوریه خواهد بود.



یادداشت‌ها

1. Turkey-Iran Reconciliatory Relations: Internal and External Factors (2016), p.4.
2. Tmoe (2013), "Iran Country Report 2012", p. 3.
3. Read more: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/02/turkey-iran-trade-deal-prove-huge-disappointment.html#ixzz4RHJuxMsq>
4. TMOE, "İran İslam Cumhuriyeti'ne İlişkin Temel Bilgiler", <http://www.ekonomi.gov.tr/upload/C74985FF-D8D3-8566-4520E92CB063EEF8/C4%B0ran-son.pdf>.
5. Turkish Embassy in Tehran, January 2014: <http://www.musavirlikler.gov.tr/index.cfm?dil=EN&ulke=IR>.
۶. حدود ۲ میلیون نفر ایرانی در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ به ترکیه سفر کرده‌اند که در مقایسه با آمار ۱ میلیون نفری سال ۲۰۰۸، رشد قابل توجهی را نشان می‌دهد. این رقم در سال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ با کاهش چشمگیر، دوباره به رقم حدود یک میلیون نفر در سال رسید.
7. TMOE, "İran İslam Cumhuriyeti Ülke Sunumu", <http://www.musavirlikler.gov.tr/upload/IR/IRAN%20SUNUMU.ppt>.
8. Economic and Commercial Relations with Iran Republic of turkey, s ministry of foreign affairs 2016: <http://www.mfa.gov.tr/economic-and-commercial-relations-with-iran.en.mfa>.
9. Political Economy of Turkish-Iranian Relations: Three Asymmetries, p 149.
10. Ministry of Foreign affairs of Turkey website.

منابع

الف) فارسی

- برزگر، کیهان (۱۳۸۸)، «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران»، *مطالعات اوراسیای مرکزی*، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی (ویژه همایش مطالعات منطقه‌ای)، سال دوم، شماره ۵.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۲)، «مناسبات جدید ایران و ترکیه: فرصت‌ها و چالش‌ها»، *دیدهبان امنیت ملی*، شماره ۲۴.
- عسگریان، محسن (۱۳۹۱)، «تحلیل جایگاه ایران، ترکیه و عربستان در بستر تعاملات منطقه‌ای بین‌المللی در افق سند چشم‌انداز، در: <http://mohsenasgarian.blogfa.com/post-58.aspx>

ب) انگلیسی

Akgün, M. et al. (2011), *The Perception of Turkey in the Middle East 2010*, TESEV, Istanbul.

Aras and Polat, "From Conflict to Cooperation: Desecuritisation of Turkey's Relations with Syria and Iran", *Security Dialogue*, Vol. 39, No. 5.

Aras, Bülent and Özbay, Fatih (2008), "The Limits of Russian-Iranian Strategic Alliance: Its History and Geopolitics, and the Nuclear Issue", *Korean Journal of Defense Analysis*, Vol. 20, No.1, pp. 47-62.

Arıboğanand Mert Bilgin, D. Ülke (2009), "New Energy Order Politics Neopolitics: From Geopolitics to Energeo Politics", *Uluslararası İlişkiler*, Vol. 5, No. 20, pp. 109-132.

BABALI, T (2012/ March), "The Role of Energy in Turkey's Relations with Russia and Iran", *Paper Prepared for an International Workshop 'The Turkey, Russia, Iran Nexus: Economic and Energy Dimensions*, organized by TEPAV: Ankara.

Çakiroğlu, A. (09.12.2014), "İran İslam Cumhuriyeti -Ülke Sunumu", available at: www.counsellors.gov.tr/upload/IR/IRAN%20SUNUMU.ppt, Access Date: 18.01.2015.

CBoI (2013), "Iran Central Bank Annual Review Report 2011-2012".

Cetinguelc, Mehmet (2016/ February 8), "How Turkey's Foreign Policy May Have Lost it \$25 Billion in Trade with Iran", available at: <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2016/02/turkey-iran-trade-deal-prove-huge-disappointment.html>.

DEKTMK (2013), "Enerji Raporu 2012".

EIA (2012), "International Energy Outlook 2011".

EIA, "Key World Energy Statistics 2012".

EPDK (2012), "Doğal Gaz Piyasası Raporu 2011".

EPDK (2012), "Elektrik Piyasa Raporu 2011".

Ersoy, Eyup (2014/ July 24), "Turkey- Iran Relations: What Should Turkey do?", *The Journal of Turkish Weekly*.

ESFAHANI, H.S., K., Mohaddes & Pesaran, Hashem (2013), "Oil Exports and the Iranian Economy", *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 53, pp. 221-237.

Farzanegan, M.R. (2014), "Military Spending and Economic Growth: The Case of Iran", *Defense and Peace Economics*, Vol.25, No.3, pp. 247-269.

Hentov, Elliot (2007), "Turkey and Iran", available at: <http://www.lse.ac.uk/IDEAS/publications/reports/pdf/SR007/iran.pdf>.

Hurriyet Daily News (2013/ August 2), "US Passes Sanctions Bill to Hit

Iran's Oil Exports", *Hurriyet Daily News*, available at:

<http://www.hurriyetdailynews.com/Default.aspx?pageID=238&nid=51856>.

Hurriyet Daily News (2013/ December 4), *Turkey Losing Positive Perception in the Middle East*.

IDIZ, S. (2013/ November 28), "Turkey and Iran as Partners for Peace", *Hurriyet Daily News*.

IEA (2013), "Key World Energy Statistics 2012".

Iran Daily (01 March 2015), Turkey's Economy Minister Nihat Zeybekci".

Islam, M. N. (2015), "Economic Growth, Repression, and State Expenditure in Non-Democratic Regimes", *European Journal of Political Economy*, 37, pp. 68-85.

İsmail Altunsoy (2013), "Rusya Doğalgaza Yüzde 8 Değil, Yüzde 4 İndirim Yaptı", *Zaman*, http://www.zaman.com.tr/ekonomi_haber-inceleme-rusya-dogalgaza-yuzde-8-degilyuzde-4-indirimi-yapti_2071769.html.

Katzman, Kenneth (2014/ January) "Iran Sanctions", *Congressional Research Service*, p. 19.

Larrabee, F.S & Nader, A. (2013), Turkish-Iranian Relations in a Changing Middle East, *Rand 2013*.

Öğütçü, Mehmet (2012), "Turkey and Changing Dynamics of World Energy: Towards Cleaner and Smarter Energy", *Insight Turkey*, Vol. 12, No. 3.

Özcan, Nihat Ali & Özdamar, Özgür (2009), "Iran's Nuclear Program and Future of U.S.-Iranian Relations", *Middle East Policy*, Vol. 16, No. 1, pp. 121-133.

OZER (2013/ December 3), "Reset of Turkish Foreign Policy or Reset of the Region?", *Hurriyet Daily News*.

Press TV (2012/ April 4), "Iran to double electricity export to Turkey by late May", *Press TV*, available at: <http://www.presstv.ir/detail/234603.html>.

Seitz, M., Tarasov, A. & Zakharenko, R. (2015), "Trade Costs, Conflicts and Defense Spending", *Journal of International Economics*, 95, pp. 305-318.

Serkan KÜNÜ Yrd.Doç.Dr. Iğdır University (2016), *Turkey and Iran: an Analysis Based on Mutual Trade and Defense Spending*, Faculty of Economics and Administrative Sciences.

Shaffer, Brenda (2009), *Energy Politics*, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.

Solat, Reza & Azizi, Hooshang (2012), "Rivalry and Cooperation in the Iran-Turkey Relations in the Light of the Arab Spring", *Discourse: An Iranian Quarterly*, Vol. 13, No. 3-4, p.119-143.

Solomon, A.B. (2013/ November 28), "Turkish Foreign Minister Says Iran and Turkey are United for Regional Stability", *The Jerusalem Post*.

TEİAŞ, (2012), *Stratejik Plan 2011-2015*, pp. 39-40.

TEİAŞ, (2013/ December), "Mevcut Enterkonneksiyon Hatlarının Net Transfer Kapasiteleri Duyurusu", available at: <http://www.teias.gov.tr/Dosyalar/NetTransferKapasiteleri.doc>.

ÜNAL, Serhan & Ersoy, Eyüp (2014), "Political Economy of Turkish-Iranian Relations: Three Asymmetries", *Ortadoğu Etütleri*, Vol.5, No. 2.

Victor David G., & Yueh, Linda (2010), "The New Energy Order Managing Insecurities in the Twenty-first Century", *Foreign Affairs*, Vol. 89, No. 1.

Winrow, Gareth M. (2004), "Turkey and East-West Gas Transportation Corridor", *Turkish Studies*, Vol. 5, No. 2.

WTO (2013), "Trade Profiles 2012".

